

**متغیرهای «آرایش سیاسی»**



یکی از کاستی‌هایی که سبب می‌شوند، متغیربودن در آرایش سیاسی به ذهن برخی ناظران متبادر شود این است که در کشور ما احزاب در جایگاه اصلی خود قرار نداشته و کار کردهای خود را به درستی ایفا نمی‌کنند. در واقع حزبی به معنای واقعی کلمه، دیده نمی‌شود. اینجکه در سپهر سیاسی ایران تاثیرگذار بوده و رفتارهای حزبی را به شکل می‌دهد، انتالاف‌ها و جبهه‌هایی است که در زمان انتخابات ایجاد می‌شود؛اقاقایی که قبل از هر انتخاباتی رخ می‌دهد در ترکیب آرایش سیاسی کشور موثر است و تقسیمیندی‌های سیاسی از اینجا‌نشأت می‌گیرد.معمولاًبعد از هر انتخابات در وضعیت آرایش‌های سیاسی ایلمی به وجود می‌آید و تا نزدیکشن به انتخابات بعدی، احزاب، لتالاف‌ها و جبهه‌ها کارکرد اصلی و مهم خود را از دست می‌دهند.

در انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۲، نقش دوگرایش اصولگرا و اصلاحطلب در کشور بزرگ بسود و در زیرمجموعه این دو طیف، جبهه‌های مختلفی فعالیت می‌کردند و حتی در درون این دو گرایش، اتفاقات و تقسیمیندی‌هایی رخ داد که اگر بستر سلطی می‌داشتیم و فعالان سیاسی مقادیر شفاف‌تری بامردم خودرو می‌کردند،می‌توانستیم آرایش‌های سیاسی متفاوتی را تجربه کنیم.

در انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری، آقای روحلی، بیشتر از سوی اصلاح‌طلبان حمایت شد تا به پیروزی رسید ولی از نظر نگارنده، ایشان اصلاح‌طلب نیستند و خودشان هم هیچ‌گاه چنین موضعی را مطرح نکردند. اگر هم بخواهیم تقسیمیندی در مورد آرایش و حمایتش صورت دهیم یا باید آنها را مستقل در نظر بگیریم یا به جریان اعتدال‌نوعت‌تعیف کنیم.

از سال‌های گذشته برخی شخصیت‌ها همواره مایل به رافانداری جریان سومی به‌عنوان جریان میانه بودند که اگر این جریان شکل می‌گرفت، بسیار مبارک بود و به حل بسیاری از مشکلات گذشته کمک می‌شد و به بسیاری از اتهامات فحش‌های دولتی موجود مربوط می‌شد. چه چراکه بسیاری از حیوانات و سیاست‌زده‌گانی نتیجه دوخطی‌بودن فضای سیاسی است. تغییر آرایش سیاسی کشور گاهی ستار از رفتار بختر برخی شخصیت‌های سیاسی مهم است.مثلا در انتخابات گذشته افرادی توانستند با ورود غیرمنتظیم خود، انتخابات را عوض کنند و با رفتار خود آرایش را تغییر دهند.

اما در نگاه مجمع روحانیون مبارز و جامعه روحانیت مبارز و انجمنی را به عنوان قطب سوم مورد بررسی قرار داد، طبیعتاً آقای هاشمی‌فردسنجایی هم علاقمند است که این قطب سوم سیاسی شکل گرفته و جناح اعتدالین سروسامان بگیرد تا هم تندروها را صحنه سیاسی فاصله بگیرند و هم اینکه تجربیات ناخوشایندی که اصولگرایان و اصلاح‌طلبان داشتند تکرار نشود. شاید نگاه آقای هاشمی در تمایل به ایجاد قطب سوم، نشان‌دهنده ایشان اما تجربه خوبی از این دو گرایش غالب در کشور دارند و اکنون که دولت اعتدال گسترش مناسب‌ترین برای تشکیل تغییر سیاسی میسر است. کشور آرایش سیاسی کشور با توجه به نزدیکشن به انتخابات مجلس دوم در کشور، به روند عروق فعالان سیاسی، دولت فعلی و دولت قبلی بستگی دارد. اینکه آیا اصلاح‌طلبان همه متخیرع خود را در سید آقای روحلی دیده باشند یا نه؟اینکه اصلاح‌طلبان بخوانند از شکستی که در انتخابات ریاست‌جمهوری که خودرند درس بگیرند یا نه بگیرند؟اینکه اصولگرایان اشتباهات گذشته را تکرار می‌کنند یا نه؟

مجموعه این‌ها باعث می‌شود آرایش جدیدی در انتخابات پیش‌رو شکل گیرد و فضا از این گسگی و ایهام خارج شود. اگر حجت‌الاسلام تالق‌پوری به‌عنوان شخصیتی که امروز نزدیک به آقای هاشمی است، در انتخابات به عنوان کاندیدا یا به عنوان کسی که فهرستی را سامان یا از کسی حمایت مستقیم کند، ورود پیدا کند، فضا روی در سرتیخت انتخابات قبل و بعد از آن آرایش سیاسی ایران، محوود در صورت بروز رخاود، به هیچ‌جهت بیست که وی به خودکشت این‌ها هاشمی‌فردسنجایی و دوامید انتخابات خود که اگر این اتفاقات پیش‌انداز آرایش سیاسی متفاوت خواهد بود.

البته شاید شکل گرایش سیاسی با مشکلاتی روبه‌رو شود چراکه در حال اصلاح‌طلبان چیزی از مشکلات هنوز به قوت خود باقی است. آقای عرفان هوش به‌خوبی در برخی از اصلاح‌طلبان که دارند به سایر شرایط اصولگرایان بسیار شباهت دارند. از این داخل خود دچار تقسیمیندی‌های شدند و شخصیت‌های مستقل است. همه دلشواران کشور گشتن‌اند.حزب‌های ایجاد کرده و پشت از اختلاف سلطیه و اختلاف به‌شماره اجرائی گذشته است بلکه آنها در برخی از اوان میانی دچار اختلاف بین دستند و این وضعیت نمی‌تواند در انتخابات آتی دور پودرقی‌را داشته‌باشد.

اصولگرایان برای راهی از مشکلات ب‌وجودآمده دواړه بیشتر پیش‌رو ندارند. این اینکه باید به‌احاط سازش عقب برگردند و از آل با یک تکیه‌بندی و چه‌چرا دواړه جدیدی وارد انتخابات شوند که این امر مستقیماً در جایگاه بسیاری از اوان مدعی در میان اصولگرایان به هم گنجه می‌خورد و بازآرایش سهم دور و به‌خوبی می‌تواند به برخی از طیف‌ها بکار بریزد. سیاست اسلام استقلال کند و با فهرست مستقلی در انتخابات شوند و مشکل اختلاف اجباری و اتحاد تکلیفی را کنار بگذارند. آنها برای پیروزی نیازمند استفاده و بهره‌گیری از تجربیات قبلی خود هستند.

نگرش هیشتی مختلف اصولگرایی در کشور متفاوت است، مثلاً رویکرد رابیطی، قالیباب و رضایی با نگرش بایدارها و حتی طیف هم‌سواط محافظه‌کار و تحول گرایانی مانند رهویان و ابتازنگار است. متفاوت است و چون تاکنون نتوانسته به جمع‌بندی مشخصی برسد همیشه چوب این را خودرند که با دست تکلیفی و اجباری دچار فراسیاش‌اند.

ایستوارم در انتخابات پیش‌رو که بیش‌ازمینعتالی شکل آرایش‌های سیاسی جدید است، فضا را به دو قطب معروف و تکلیف یک پا چند کام جاتویر نگاریم و جناح‌های جدی‌تر و پیش‌تری و پیش‌تری بدیشیم به‌نظر من می‌آید و خوب است، که در آرایش جدید در انتخابات دیده‌اند داشته

سبب شده امروز هم در مقابل مردم شرمسار نباشند بلکه همچنان از این باایم و به‌بینیم که این انتخابات جدیدی که برگزار می‌شود تا از فضای دوخطی‌شدن و هججانی و افراطی خارج شود. البته رعایت قواعد فعالیت سیاسی توسط دو جناح نیز خواهد توانست به توسعه سیاسی کمک کند. این مسرتاز ایجاد فضای رقابتی موثر و به دور از هیجانات کاست. سیاست هرمنطقه بسی کشت و واکشن‌های خواهد

شد که مشخص نیست همیشه به‌نود شطاب جامعه باشد و گاهی نیز نتایج مکس در پی دارد.

**ادامه در صفحه ۹**



**حامد طبیبی**

تحلیل سیاسی با نگاه به ساختار اجتماعی، معمولاً با جامعیت‌پیش‌ری همراه است و این گفت‌وگو پیرامون این مدعا که آرایش سیاسی در یکسال اخیر با تغییراتی مواجه شده یا همان دوخطی ماندگار باسابقه همچنان بابرجام‌ست، با شخصی صورت گرفت که در هر دو حوزه دارای نگاه علمی و تجربی کافی است. در صفحه استادن و سیاست دانشگاه ریتیرمنسرد مآرج علمی علی‌محمد حاضری به‌عنوان یک جامعه‌شناس، در جایگاه اصلی خود قرار داشته و کار کردهای خود را به مدرسین دانشگاه، ریاست دواړو شورای هماهنگی جبهه اصلاحات را نیز تجربه کرده است، علاوه بر پژوهش‌های جامع‌شماسی، که فعال سیاسی باسابقه اصلاح‌طلب نیز به‌شمار می‌آید و این‌روزها پس از گذراندن دوران گذشته، بار دیگر امکان بازگشت به دانشگاه را یافته است. حاضری در گفت‌وگو با شرق با تاکید بر ماندگاربودن دو جریان سیاسی اصلی جامعه، تحلیل مبسوطی از این طیف‌های فعال و دلایل برخی خنکادهای سیاسی ۱۰سال اخیر ارائه کرد که در ادامه آمده است:

**۴ معمولاً پس و پس از انتخابات باه‌وزنه‌انتخابات ریاست‌جمهوری، برخی سیاستمدار و افراد نزدیک به اصولگراییان از واژه تکراری تغییر آرایش سیاسی، سخن می‌گویند اما کافی است یک بزنگاه‌ه تغییر دیگر از راه برسد تا همان دوخطی معمول که در این سه دهه بارها بوده‌است، خودنمایی کند. از این یک اشکال است که ما در کشور دو جریان اصلی داشته باشیم؛ بسیاری کشورهای دنیا دو جریان قوی و ریشم‌دار دارند و گردش قدرت، میان آنان افتاد. پس چرا عده‌ای اصرار بر خلق جریان‌های جدید دارند؟**

این مفاهیم درواقع طبع دامنه معدا و به وادی است که گوینده دارد و با معنایی ثانوی نمی‌توان برای آنها در نظر گرفت. بستگی دارد که به تکلّهی، این ادعا را مطرح می‌کنند. بر این اساس برخی تحلیل‌ها می‌تواند در باره‌ای مورد، موضوعیت داشته باشد یا نداشته باشد. اصل موضوع این است که ما در ایران به‌ویژه بعد از انقلاب اسلامی نه جریان کلان در سیاست و جامعه، بلکه سه یا چهار جریان کلان داریم که تاکنون در دو دهه اخیر، دو کامپین در حاکمیت حضور داشته‌اند و دو جریان بیرون حاکمیت این آرایش نیروها در شکل کالان به این صورت است. این آرایش و مقسیندی به نظر من به اندازه‌ای شفاف و روشن است که فقط بعضاً دارای سازمان حزبی نیستند اما در واقع روکنشی و وزن اجتماعی این‌ها کلاماً مشخص است.بعد از انقلاب جریان نیروهای اصلاحگرا، محجوریت یافت که دارای دو قرت‌ستنی و مدرن از دین هستند. اختلاف اصلی دو طیف مدرن و سنتی، محور چارفتی است که از آن‌ها خود ابراز می‌کنند.

**۴ همان دوگاه مجمع روحانیون مبارز و جامعه روحانیت مبارز و انجمنی را به عنوان قطب سوم مورد بررسی قرار داد، طبیعتاً آقای هاشمی‌فردسنجایی هم علاقمند است که این قطب سوم سیاسی شکل گرفته و جناح اعتدالین سروسامان بگیرد تا هم تندروها را صحنه سیاسی فاصله بگیرند و هم اینکه تجربیات ناخوشایندی که اصولگرایان و اصلاح‌طلبان داشتند تکرار نشود. شاید نگاه آقای هاشمی در تمایل به ایجاد قطب سوم، نشان‌دهنده ایشان اما تجربه خوبی از این دو گرایش غالب در کشور دارند و اکنون که دولت اعتدال گسترش مناسب‌ترین برای تشکیل تغییر سیاسی میسر است. کشور آرایش سیاسی کشور با توجه به نزدیکشن به انتخابات مجلس دوم در کشور، به روند عروق فعالان سیاسی، دولت فعلی و دولت قبلی بستگی دارد. اینکه آیا اصلاح‌طلبان همه متخیرع خود را در سید آقای روحلی دیده باشند یا نه؟اینکه اصلاح‌طلبان بخوانند از شکستی که در انتخابات ریاست‌جمهوری که خودرند درس بگیرند یا نه بگیرند؟اینکه اصولگرایان اشتباهات گذشته را تکرار می‌کنند یا نه؟**

مجموعه این‌ها باعث می‌شود آرایش جدیدی در انتخابات پیش‌رو شکل گیرد و فضا از این گسگی و ایهام خارج شود. اگر حجت‌الاسلام تالق‌پوری به‌عنوان شخصیتی که امروز نزدیک به آقای هاشمی است، در انتخابات به عنوان کاندیدا یا به عنوان کسی که فهرستی را سامان یا از کسی حمایت مستقیم کند، ورود پیدا کند، فضا روی در سرتیخت انتخابات قبل و بعد از آن آرایش سیاسی ایران، محوود در صورت بروز رخاود، به هیچ‌جهت بیست که وی به خودکشت این‌ها هاشمی‌فردسنجایی و دوامید انتخابات خود که اگر این اتفاقات پیش‌انداز آرایش سیاسی متفاوت خواهد بود.

البته شاید شکل گرایش سیاسی با مشکلاتی روبه‌رو شود چراکه در حال اصلاح‌طلبان چیزی از مشکلات هنوز به قوت خود باقی است. آقای عرفان هوش به‌خوبی در برخی از اصلاح‌طلبان که دارند به سایر شرایط اصولگرایان بسیار شباهت دارند. از این داخل خود دچار تقسیمیندی‌های شدند و شخصیت‌های مستقل است. همه دلشواران کشور گشتن‌اند.حزب‌های ایجاد کرده و پشت از اختلاف سلطیه و اختلاف به‌شماره اجرائی گذشته است بلکه آنها در برخی از اوان میانی دچار اختلاف بین دستند و این وضعیت نمی‌تواند در انتخابات آتی دور پودرقی‌را داشته‌باشد.

اصولگرایان برای راهی از مشکلات ب‌وجودآمده دواړه بیشتر پیش‌رو ندارند. این اینکه باید به‌احاط سازش عقب برگردند و از آل با یک تکیه‌بندی و چه‌چرا دواړه جدیدی وارد انتخابات شوند که این امر مستقیماً در جایگاه بسیاری از اوان مدعی در میان اصولگرایان به هم گنجه می‌خورد و بازآرایش سهم دور و به‌خوبی می‌تواند به برخی از طیف‌ها بکار بریزد. سیاست اسلام استقلال کند و با فهرست مستقلی در انتخابات شوند و مشکل اختلاف اجباری و اتحاد تکلیفی را کنار بگذارند. آنها برای پیروزی نیازمند استفاده و بهره‌گیری از تجربیات قبلی خود هستند.

ایستوارم در انتخابات پیش‌رو که بیش‌ازمینعتالی شکل آرایش‌های سیاسی جدید است، فضا را به دو قطب معروف و تکلیف یک پا چند کام جاتویر نگاریم و جناح‌های جدی‌تر و پیش‌تری و پیش‌تری بدیشیم به‌نظر من می‌آید و خوب است، که در آرایش جدید در انتخابات دیده‌اند داشته

سبب شده امروز هم در مقابل مردم شرمسار نباشند بلکه همچنان از این باایم و به‌بینیم که این انتخابات جدیدی که برگزار می‌شود تا از فضای دوخطی‌شدن و هججانی و افراطی خارج شود. البته رعایت قواعد فعالیت سیاسی توسط دو جناح نیز خواهد توانست به توسعه سیاسی کمک کند. این مسرتاز ایجاد فضای رقابتی موثر و به دور از هیجانات کاست. سیاست هرمنطقه بسی کشت و واکشن‌های خواهد شد که مشخص نیست همیشه به‌نود شطاب جامعه باشد و گاهی نیز نتایج مکس در پی دارد.

**۴ معمولاً پس و پس از انتخابات باه‌وزنه‌انتخابات ریاست‌جمهوری، برخی سیاستمدار و افراد نزدیک به اصولگراییان از واژه تکراری تغییر آرایش سیاسی، سخن می‌گویند اما کافی است یک بزنگاه‌ه تغییر دیگر از راه برسد تا همان دوخطی معمول که در این سه دهه بارها بوده‌است، خودنمایی کند. از این یک اشکال است که ما در کشور دو جریان اصلی داشته باشیم؛ بسیاری کشورهای دنیا دو جریان قوی و ریشم‌دار دارند و گردش قدرت، میان آنان افتاد. پس چرا عده‌ای اصرار بر خلق جریان‌های جدید دارند؟**

این مفاهیم درواقع طبع دامنه معدا و به وادی است که گوینده دارد و با معنایی ثانوی نمی‌توان برای آنها در نظر گرفت. بستگی دارد که به تکلّهی، این ادعا را مطرح می‌کنند. بر این اساس برخی تحلیل‌ها می‌تواند در باره‌ای مورد، موضوعیت داشته باشد یا نداشته باشد. اصل موضوع این است که ما در ایران به‌ویژه بعد از انقلاب اسلامی نه جریان کلان در سیاست و جامعه، بلکه سه یا چهار جریان کلان داریم که تاکنون در دو دهه اخیر، دو کامپین در حاکمیت حضور داشته‌اند و دو جریان بیرون حاکمیت این آرایش نیروها در شکل کالان به این صورت است. این آرایش و مقسیندی به نظر من به اندازه‌ای شفاف و روشن است که فقط بعضاً دارای سازمان حزبی نیستند اما در واقع روکنشی و وزن اجتماعی این‌ها کلاماً مشخص است.بعد از انقلاب جریان نیروهای اصلاحگرا، محجوریت یافت که دارای دو قرت‌ستنی و مدرن از دین هستند. اختلاف اصلی دو طیف مدرن و سنتی، محور چارفتی است که از آن‌ها خود ابراز می‌کنند.

**۴ معمولاً پس و پس از انتخابات باه‌وزنه‌انتخابات ریاست‌جمهوری، برخی سیاستمدار و افراد نزدیک به اصولگراییان از واژه تکراری تغییر آرایش سیاسی، سخن می‌گویند اما کافی است یک بزنگاه‌ه تغییر دیگر از راه برسد تا همان دوخطی معمول که در این سه دهه بارها بوده‌است، خودنمایی کند. از این یک اشکال است که ما در کشور دو جریان اصلی داشته باشیم؛ بسیاری کشورهای دنیا دو جریان قوی و ریشم‌دار دارند و گردش قدرت، میان آنان افتاد. پس چرا عده‌ای اصرار بر خلق جریان‌های جدید دارند؟**

این مفاهیم درواقع طبع دامنه معدا و به وادی است که گوینده دارد و با معنایی ثانوی نمی‌توان برای آنها در نظر گرفت. بستگی دارد که به تکلّهی، این ادعا را مطرح می‌کنند. بر این اساس برخی تحلیل‌ها می‌تواند در باره‌ای مورد، موضوعیت داشته باشد یا نداشته باشد. اصل موضوع این است که ما در ایران به‌ویژه بعد از انقلاب اسلامی نه جریان کلان در سیاست و جامعه، بلکه سه یا چهار جریان کلان داریم که تاکنون در دو دهه اخیر، دو کامپین در حاکمیت حضور داشته‌اند و دو جریان بیرون حاکمیت این آرایش نیروها در شکل کالان به این صورت است. این آرایش و مقسیندی به نظر من به اندازه‌ای شفاف و روشن است که فقط بعضاً دارای سازمان حزبی نیستند اما در واقع روکنشی و وزن اجتماعی این‌ها کلاماً مشخص است.بعد از انقلاب جریان نیروهای اصلاحگرا، محجوریت یافت که دارای دو قرت‌ستنی و مدرن از دین هستند. اختلاف اصلی دو طیف مدرن و سنتی، محور چارفتی است که از آن‌ها خود ابراز می‌کنند.

**۴ معمولاً پس و پس از انتخابات باه‌وزنه‌انتخابات ریاست‌جمهوری، برخی سیاستمدار و افراد نزدیک به اصولگراییان از واژه تکراری تغییر آرایش سیاسی، سخن می‌گویند اما کافی است یک بزنگاه‌ه تغییر دیگر از راه برسد تا همان دوخطی معمول که در این سه دهه بارها بوده‌است، خودنمایی کند. از این یک اشکال است که ما در کشور دو جریان اصلی داشته باشیم؛ بسیاری کشورهای دنیا دو جریان قوی و ریشم‌دار دارند و گردش قدرت، میان آنان افتاد. پس چرا عده‌ای اصرار بر خلق جریان‌های جدید دارند؟**

## نگاه اصلاح‌طلب

## تحلیلی از حمیدرضا جلایی‌پور، جامعه‌شناس و فعال سیاسی

## تقویت ائتلاف ۲۴ خرداد

۳- اشاره شد اصلاح‌طلبان و نیروهای سیاسی در کنار دولت، با وجود مشکلاتی که با آن مواجه هستند در مجموع عملکرد قابل دفاعی داشته‌اند. وقتی آقای روح‌للی وارد ائتلاف بدید که متخالفان وی با آن کارکنان هشتساله، تلوپق، اینگونه در مقابل خواست مردم و جریان‌های سیاسی تحول‌خواه صف‌بازی کنند با این‌ها وجود فضای سختی حتی با سروسامانی اخیر، رو به جل‌بوده است و ایستوارم اسامال نیز حرکت رو به جلو خواهد پیشتا کند. بااین حال یکی از تفکهای وارد به عملکرد دولت، به ضعف و تورم بالای ۱۰ درصد در کشور، وضعیت نگران‌کننده‌ای دارد که به‌نظر من باید دولت در توجه به یافته‌اش تسلیل رساله‌ای خود است. دولت باید بازدارد در به‌خوبی عمل کند و روی جذب افکار عمومی و حفظ حمایتش برعهده‌سازهای جدی‌تری کند. بااین حال اصلاح‌طلبان به‌دلیل ناامیدکردن مردم و نیروهای سیاسی و اجتماعی هستند نباید قریب این حرف‌ها را خود قبل از انتخابات هم تاکید کرد که آقای روح‌للی، سوابق نظامی و امنیتی مثبتی در دوران جنگ داشته و تندروها دیگر نمی‌توانند از لنگ‌های دیه‌پوره‌بگیرند. سخن می‌گویند، روزا هم باید با مدعای یک راجع اجتماعی دوره انتخابات را که کشور اصلی موفقیت دولت است حفظ و ائتلاف سیاسی موجود میان نیروهای تحول‌خواه را تقویت کند. دولتی که پشت‌پناه اجسامی نداشته باشد پراحتی شکست می‌خورد و پرتلاطم‌هایش با تاکنمی روبه‌رو می‌شود. اگر ۲۰ میلیارد دلار درآمد زری داشته باشد و با وسایلیا هم از آن دفعه کند، برخی حفظ این‌ها به‌نفع مردم نمی‌شود.

رکد تورمی، ب‌وجه بیشتر به حقوق غیرنظامی، تقویت شکل‌های راجع احزاب و سندیکاها و سایر نهادهای نمایندگی گروه‌های اجتماعی متکثر و ۲- رفع مطالبات اقوام و اقلیت‌ها و حقوق عامه‌شوارری است. شفاف‌سازی و موبسولیت‌پذیری بیشتر دولت نیز ضروری و اهمیت‌ت. ۵- دولت برای تقویت و افزایش امید در جامعه و میان نیروهای سیاسی همسو با خود باید به همین روش‌هایی که داشته ادامه دهد و البته با یک بازوی رسانه‌ای و سیاست‌های رسانه‌ای قوتی و هوشمندانه‌تر به حفظ حمایت افکار عمومی توجه بیشتری کند.

۱- حل مساله هسته‌ای کاشف تحریها ۲- تقویت معیشتی و اقتصادی مردم و جامعه ۳- رزمندسازی برای افزایش قدرت جامعه و نهادهای مدنی و حقوق امدان.

مسأ را راه‌تخواهد کرد دولت و آقای روح‌للی اگر مانند گزارش مدوروز به مردم باشد، مانند مردم هم صداقت دولت را رابو خواهد کرد. دولت برای حل مساصات جامعه باید مدام روی همکاری سازمان‌های دولتی، نهادهای مدنی و خود شهروندان تاکید کند. دولت باید آماداً با مردم و نهادهای مدنی مصادقه محیط کند و آنها را در جریان نگذار. ائتلاف سیاسی - اجتماعی و فرهنگی میان دولت و ملت و همه تعبکالان و نیروهای سیاسی، باید هرروز گسترده‌تر شود.

## سیاست

**گفت‌و گو با علی محمد حاضری**

# مطالبات اصلاح‌طلبانه، بدیلی به عنوان «جریان سوم» ندارد



چارچوب‌های ساختار را نمی‌پذیرند. اشکی است که می‌پسندند. ربطی به می‌دهند. در آن انتخابات هم طبیعتی، فقط لقبیندی نو نیروی حاضر در حاکمیت نبود بلکه همه آحاد جامعه، خود را در یکی از این دو قطب پیدا می‌کرد. بخشی از مهان نیروها چون تاللو نباشند و عقل سیاسی این اقتضا می‌کرد فعالیت کنند - به جز برخی طیف‌ها حذقی جریان راست با جریان اصلاحگرای مقابل خود یعنی شخصیت‌های، البته منفعت‌طلب وسیعی دارد. این وضعیت اگر چه قابل درک است، اما به‌نظر من شایسته می‌شد اما تبدیل شد به شرایط نامطلوب‌تر. اصولگرایان از نیروهای بیرونی که در دو طیف قرار گرفتند - چون افرای اصلاح‌طلبان هم خبردار نباشند. معتمد شده که مکتبی صندوق را می‌پذیرند اما

چارچوب‌های ساختار را نمی‌پذیرند. اشکی است که می‌پسندند. ربطی به می‌دهند. در آن انتخابات هم طبیعتی، فقط لقبیندی نو نیروی حاضر در حاکمیت نبود بلکه همه آحاد جامعه، خود را در یکی از این دو قطب پیدا می‌کرد. بخشی از مهان نیروها چون تاللو نباشند و عقل سیاسی این اقتضا می‌کرد فعالیت کنند - به جز برخی طیف‌ها حذقی جریان راست با جریان اصلاحگرای مقابل خود یعنی شخصیت‌های، البته منفعت‌طلب وسیعی دارد. این وضعیت اگر چه قابل درک است، اما به‌نظر من شایسته می‌شد اما تبدیل شد به شرایط نامطلوب‌تر. اصولگرایان از نیروهای بیرونی که در دو طیف قرار گرفتند - چون افرای اصلاح‌طلبان هم خبردار نباشند. معتمد شده که مکتبی صندوق را می‌پذیرند اما

چارچوب‌های ساختار را نمی‌پذیرند. اشکی است که می‌پسندند. ربطی به می‌دهند. در آن انتخابات هم طبیعتی، فقط لقبیندی نو نیروی حاضر در حاکمیت نبود بلکه همه آحاد جامعه، خود را در یکی از این دو قطب پیدا می‌کرد. بخشی از مهان نیروها چون تاللو نباشند و عقل سیاسی این اقتضا می‌کرد فعالیت کنند - به جز برخی طیف‌ها حذقی جریان راست با جریان اصلاحگرای مقابل خود یعنی شخصیت‌های، البته منفعت‌طلب وسیعی دارد. این وضعیت اگر چه قابل درک است، اما به‌نظر من شایسته می‌شد اما تبدیل شد به شرایط نامطلوب‌تر. اصولگرایان از نیروهای بیرونی که در دو طیف قرار گرفتند - چون افرای اصلاح‌طلبان هم خبردار نباشند. معتمد شده که مکتبی صندوق را می‌پذیرند اما

چارچوب‌های ساختار را نمی‌پذیرند. اشکی است که می‌پسندند. ربطی به می‌دهند. در آن انتخابات هم طبیعتی، فقط لقبیندی نو نیروی حاضر در حاکمیت نبود بلکه همه آحاد جامعه، خود را در یکی از این دو قطب پیدا می‌کرد. بخشی از مهان نیروها چون تاللو نباشند و عقل سیاسی این اقتضا می‌کرد فعالیت کنند - به جز برخی طیف‌ها حذقی جریان راست با جریان اصلاحگرای مقابل خود یعنی شخصیت‌های، البته منفعت‌طلب وسیعی دارد. این وضعیت اگر چه قابل درک است، اما به‌نظر من شایسته می‌شد اما تبدیل شد به شرایط نامطلوب‌تر. اصولگرایان از نیروهای بیرونی که در دو طیف قرار گرفتند - چون افرای اصلاح‌طلبان هم خبردار نباشند. معتمد شده که مکتبی صندوق را می‌پذیرند اما

چارچوب‌های ساختار را نمی‌پذیرند. اشکی است که می‌پسندند. ربطی به می‌دهند. در آن انتخابات هم طبیعتی، فقط لقبیندی نو نیروی حاضر در حاکمیت نبود بلکه همه آحاد جامعه، خود را در یکی از این دو قطب پیدا می‌کرد. بخشی از مهان نیروها چون تاللو نباشند و عقل سیاسی این اقتضا می‌کرد فعالیت کنند - به جز برخی طیف‌ها حذقی جریان راست با جریان اصلاحگرای مقابل خود یعنی شخصیت‌های، البته منفعت‌طلب وسیعی دارد. این وضعیت اگر چه قابل درک است، اما به‌نظر من شایسته می‌شد اما تبدیل شد به شرایط نامطلوب‌تر. اصولگرایان از نیروهای بیرونی که در دو طیف قرار گرفتند - چون افرای اصلاح‌طلبان هم خبردار نباشند. معتمد شده که مکتبی صندوق را می‌پذیرند اما

چارچوب‌های ساختار را نمی‌پذیرند. اشکی است که می‌پسندند. ربطی به می‌دهند. در آن انتخابات هم طبیعتی، فقط لقبیندی نو نیروی حاضر در حاکمیت نبود بلکه همه آحاد جامعه، خود را در یکی از این دو قطب پیدا می‌کرد. بخشی از مهان نیروها چون تاللو نباشند و عقل سیاسی این اقتضا می‌کرد فعالیت کنند - به جز برخی طیف‌ها حذقی جریان راست با جریان اصلاحگرای مقابل خود یعنی شخصیت‌های، البته منفعت‌طلب وسیعی دارد. این وضعیت اگر چه قابل درک است، اما به‌نظر من شایسته می‌شد اما تبدیل شد به شرایط نامطلوب‌تر. اصولگرایان از نیروهای بیرونی که در دو طیف قرار گرفتند - چون افرای اصلاح‌طلبان هم خبردار نباشند. معتمد شده که مکتبی صندوق را می‌پذیرند اما

چارچوب‌های ساختار را نمی‌پذیرند. اشکی است که می‌پسندند. ربطی به می‌دهند. در آن انتخابات هم طبیعتی، فقط لقبیندی نو نیروی حاضر در حاکمیت نبود بلکه همه آحاد جامعه، خود را در یکی از این دو قطب پیدا می‌کرد. بخشی از مهان نیروها چون تاللو نباشند و عقل سیاسی این اقتضا می‌کرد فعالیت کنند - به جز برخی طیف‌ها حذقی جریان راست با جریان اصلاحگرای مقابل خود یعنی شخصیت‌های، البته منفعت‌طلب وسیعی دارد. این وضعیت اگر چه قابل درک است، اما به‌نظر من شایسته می‌شد اما تبدیل شد به شرایط نامطلوب‌تر. اصولگرایان از نیروهای بیرونی که در دو طیف قرار گرفتند - چون افرای اصلاح‌طلبان هم خبردار نباشند. معتمد شده که مکتبی صندوق را می‌پذیرند اما

چارچوب‌های ساختار را نمی‌پذیرند. اشکی است که می‌پسندند. ربطی به می‌دهند. در آن انتخابات هم طبیعتی، فقط لقبیندی نو نیروی حاضر در حاکمیت نبود بلکه همه آحاد جامعه، خود را در یکی از این دو قطب پیدا می‌کرد. بخشی از مهان نیروها چون تاللو نباشند و عقل سیاسی این اقتضا می‌کرد فعالیت کنند - به جز برخی طیف‌ها حذقی جریان راست با جریان اصلاحگرای مقابل خود یعنی شخصیت‌های، البته منفعت‌طلب وسیعی دارد. این وضعیت اگر چه قابل درک است، اما به‌نظر من شایسته می‌شد اما تبدیل شد به شرایط نامطلوب‌تر. اصولگرایان از نیروهای بیرونی که در دو طیف قرار گرفتند - چون افرای اصلاح‌طلبان هم خبردار نباشند. معتمد شده که مکتبی صندوق را می‌پذیرند اما

وفاداری‌های سنتی از یک هسته مرکزی تبعیت می‌کنند و عده‌ای از آنها این را نمی‌پسندند. در اواخر دولت اصلاحات، چنان نرهای آن جریان به صراحت گفتند که حرف ریت‌س سیدفان را بر نمی‌تابند. پس از آن و در سال ۸۴ با تعدد کاندیدا مواجه شد و کل محجوریت مجموعه را به کنار گذاشتند و یک مرکز خاص، با حلقه‌های جدید این جناح وارد عمل شد و تا چند روز مدینه به انتخابات، بازی را عوض کرد.

**۴ برای انتخابات ریاست‌جمهوری سال گذشته از منظر آرایش سیاسی، چه مدلی می‌توان ارائه کرد؟**

اینکه در انتخابات یازدهم، «جریان سوم» به میسبان آمد یا همان لقبیندی و رقابت سابق، تعیین تکلیف کرد موضوعی است که درباره این زیاد سخن گفته شده است. شخصیت است که جریان سوم وجود ندارد و همان می‌پروزران غ غیر آن حرکت کنند. به‌عکس، اتفاقاً فشارها می‌شود این نیروها به‌طور جدی‌تر، «پرچم» خود را بیابند یک بار سبب به آنها داده می‌شود و در یک حزب سیاسی، تجلی می‌یابد یا اینکه وجود دیگر آن در دل جامعه خود را نشان می‌دهد. بر اساس تفکرها این محدودیت‌ها وجود دارد.

**۴ در چهارسال گذشته، تلاش برای سیاست‌ورزی در دو مجموعه شورای هماهنگی جبهه اصلاحات و شورای مشاوران سیدمحمد خامنه‌ی در نشان داد. چه شد که با وجود تلاش طرف مقابل برای تغییر آرایش سیاسی، همچنان به فعالیت ادامه داد؟**

این دو هیچ تفکیکی از یکدیگر نداشتند. هر چه فشار آوردند تا شرایط حزبی و صنفی شکل‌های اصلاح‌طلب را با برخی محدودیت‌ها مواجه است. اتفاقاً سیاست‌ورزی مهم‌تر جلوه می‌کرد. بنابراین با تعاطف‌پذیری، جلسات شورای هماهنگی به شکل بازگشته تشکیل می‌شد و جلوه‌ای از این حرکت نیز در شورای مشاوران ریت‌س جمهور دوران اصلاحات دیده می‌شد. وقتی از شورای مشاوران جریسمه می‌شد که برپوین از ساختار پاسخ می‌دادند حرف ما همان حرف شورای هماهنگی جبهه اصلاحات بود. این تاکتیک سیاسی اصلاح‌طلبان بود و نشان داد در شرایط سخت به‌یاد فعالیت و سیاست‌ورزی را دنبال کرد. این فشارها در واقع تنوع سازمائی و طیفیندی اصلاح‌طلبان را متمرکزتر از قبل کرد. قبل از این فشارها حلقه‌های متفاوت داشتیم اما جلیلی راه بسته شد و دیدند نفری، با همین معادلت که می‌کار می‌توان انجام داد. اتفاقاً نوشته‌ای ملی - مذهبی‌ها تا نزدیکان عبدالله نورنی، آقای «اعتدال ملی» آقای کروبی، حامیان ابتلا هاشمی تا نیروهای مشارکت و مجاهدین انقلاب و سایر شکل‌های اصلاح‌طلب و معتقد شکل گرفت.

**۴ اما طرف مقابل در شرایطی که رقیبشان آسیب دیده بود، تریبون به نداشتند و با شرایط خاصی مواجه بود. از اسامعام دور شدند. طیف‌های مختلف آنها عقاید گوناگون بر دارند و حتی عده‌ای از آنها عنوان «اشتباه، برخی طیف‌ها از جریان برسان سخن گفتند. اشاره کرد به هدف بودند و حمایت‌های مختلف از این تشکلات صورت گرفت و طیف احمدی‌نژاد را به بیرون هدایت کرد.**

**۴ اما احمدی‌نژاد با جریان سنتی‌را، معامله خروج، نکرد. صقیقا همین نکته، تفاوت عملکرد آنهاست. احمدی‌نژاد را پارتی تنها داشتند. اما این توان مدیریت کشور را بر اساس کارنامه گذشته خود ندارند. اما این توان مدیریت کشور را بر اساس کارنامه گذشته خود ندارند. اما این توان مدیریت کشور را بر اساس کارنامه گذشته خود ندارند.**

**۴ اما احمدی‌نژاد با جریان سنتی‌را، معامله خروج، نکرد. صقیقا همین نکته، تفاوت عملکرد آنهاست. احمدی‌نژاد را پارتی تنها داشتند. اما این توان مدیریت کشور را بر اساس کارنامه گذشته خود ندارند. اما این توان مدیریت کشور را بر اساس کارنامه گذشته خود ندارند.**

بله، ممکن بود بخشی از آن را از جانب کند. احتمالاً احمدی‌نژاد‌ها نیز روی همین نکته دست گذاشته بودند. به نظر من این با مباحت اقعایی مطرح شد. از سوی بزرگان اصلاحات، آن طیف از مردم هم به سوی رویشی آمدند. پس در انتخابات یازدهم پیش از آنکه نیروی سوم بازیگر کند، همان لقبیندی سلق اثر کرد. اتفاقاً گفت: این بد که طیفیندی بخشی از نیروهایی که در مقبندلی سال ۸۸ قرار داده بودند، می‌توانستند در حد تحریم باقی بمانند. تغییر کرد در مجموع هم مقبندلی همچنان است و ما تغییر آرایش سیاسی نمی‌توانیم. پس از انتخابات هم بعضی وضع وجود ندارد و همان شرایط سابق حاکم است. به نظر من، دست تدابیر داشته بود. پس مدلی اصلی همان توزیع سیاستمدان هم ندارد و این اختلافات اصلاح‌طلبانه برای آنها هیچ بدلی‌چه چه به عنوان جریان سوم و چه عنوان دیگر، ندارد.

و میانه هستند تا از آخرین روز تصمیم که اگر جناحی این طیف خاستگرتی را مدیریت کند و در قالب سراسرمیاهای اجتماعی خود قرار دهد. البته بسیاری از آرایش سیاسی به نفع همان جناح خواهد بود. طیف اصولگرای آرمان‌گرا هرگونه تقسیمیندی سارمائی خود را شکست گفتنی تلقی می‌کند که در افراطیون و بایدارها از این گروه هستند. طیف محافظه‌کار سنتی هم که به‌سرايه اصلاحات نلارد و در انتخابات نشان دادند که به‌سرايه بایدارها می‌نمی‌رسند.

مشکل دیگرک طیف تحول‌گرایان هستند که بیشتر از وزن سیاسی، سهم می‌خواهند و همین‌ها این‌هاشان این است. هر کس که به دلیل سهم بیشتر است، در واقع شکست می‌خورد و کار گزار می‌تواند این کار را انجام دهد. نباید به‌خوبی از این دست دهد. اگر از کار به رستری انجام دند، تفاوت‌ها و تفاوت‌ها رافراطیون تاللو در نظر مردم خواهند شد.

**۴ جریان اصولگرایی بعد از شکستی که در انتخابات ریاست‌جمهوری خرداد، باید به اصولی حرکت کند؟**

جریان اصولگرایی برای رسیدن به ریت‌س مردمی باید شرط دارد. راه‌ی ریت‌س جدیدی از مآلان و دلشواران اصولگرا تشکیل دهند و وارد از افراد به دل نرس در دست‌مندان خود نباشند. هر کس در این کار گنجه و تکلیفی و اجباری که به فادن قوت‌ستند واحد از سوی اصولگرایان داشته باشد، نشانه ضعف تا اصولگرایان را فراموش یا بدون اینکه دوره نهمت اشتباهات خود در نقشه کار بگیرند. ریت‌س استگاه سیاسی که در وقت یکسری حرکت کرد. رمت کند و ریت‌سین اهداف و ارمان‌ها نیز تا نکاتی است که این جریان باید منظور داشته باشد. باید بازسازی را بازگرتی در جریان اصولگرا صورت بگیرد و عامل قوتی و فرصتطلب را خارج کرد و با یک نگاه حاکمتری جل‌بودند. بلاخره جریان اصولگرایی در رقابت‌های سیاسی باید یک نگاه کلیف دارد تا راجگاه‌ها در بین مردم مشخص کند. تونل‌هایگاه مدعیان خود را توسعه و گسترش دهد. تکلیف خود خواهد کرد که کشور ما را اولین از میان جریان اصولگرایی باید در مسیر ایجاد یکله مردمی و ساختار سیاسی هم‌ساز و متشکل از شخصیت‌ها احزاب باشد. باید بازسازی را بتواند در رابطه با این موضوع حرکتی عری انجام دهد. کشور سقبیلی شده است ولی این قطب مردم باید به رسمیت شناخته شود و جایگاه آن در تقسیم قدرت تشریف کرد که در آن صورت هم رقابت‌ها بهتر خواهد شد. با سه مدعی نشان فضای کشور همه می‌توانند در رقابت‌های سیاسی باشند. بدون اجبار برای حضور در جریان اصولگرایی و اصلاحات.

**۴ به نظر می‌رسد، با وجود دو گرایش غالب در کشور، تمایلی به ظهور جریان جدید در صحنه سیاسی وجود ندارد. چرا که عده‌ای می‌باشناسند.**

شاید پیام تلوتشکای میان اصولگرایان و اصلاح‌طلبان باشد که معتقدند جز خودشان جریان نباید در صحنه سیاسی کشور بود. باید کندیست که کفا بود. این‌ها ظهور ورود جریان‌های سیاسی جدید را با کنند و این باعث تقویت نظام و بایدهای جمهوری اسلامی خواهد شد. بزرگان اصولگرا و اصلاح‌طلب باید به‌شدتدین پیمان نباشند و با شکند و اجازه فشارش جریان سوم درون انقلاب را به رسمیت بشناسند. خود باید کفایتا اهدامعی در صحنه خاص فضاات اجرائی معتدار مورد بررسی و تصویب قرار گیرد که کار هم‌سپاروتی برای تصمیم‌گیری سوبال نیازمندتست و پرتخاست را قرار می‌شود. اکثریت باید به‌شدتدین پیمان نباشند، با وقتی که تکراری‌های روشنی در مورد زنت مجلس باشند. دیوان کل آرایش سیاسی کشور چه اصولگرایان و اصلاح‌طلبان که جایگاه مجلسی دارند، باید مورد مشورت ریت‌س جمهور قرار بگیرند و از دیدگاه‌های آنها در مسیر حرکت سیاسی کشور استفاده کنند.

حزبی که در جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کند باید مواضع خود را به‌احاط ایستدولوتیک به‌طور شفاف بیان کند. یعنی اگر حزبی نظام و بایدهای جمهوری اسلامی خواهد شد. بزرگان اصولگرا و اصلاح‌طلب باید به‌شدتدین پیمان نباشند و با شکند و اجازه فشارش جریان سوم درون انقلاب را به رسمیت بشناسند. خود باید کفایتا اهدامعی در صحنه خاص فضاات اجرائی معتدار مورد بررسی و تصویب قرار گیرد که کار هم‌سپاروتی برای تصمیم‌گیری سوبال نیازمندتست و پرتخاست را قرار می‌شود. اکثریت باید به‌شدتدین پیمان نباشند، با وقتی که تکراری‌های روشنی در مورد زنت مجلس باشند. دیوان کل آرایش سیاسی کشور چه اصولگرایان و اصلاح‌طلبان که جایگاه مجلسی دارند، باید مورد مشورت ریت‌س جمهور قرار بگیرند و از دیدگاه‌های آنها در مسیر حرکت سیاسی کشور استفاده کنند.

**ادامه در صفحه ۷**

**دوخطی یا چندخطی؟**

از سوی دیگر، اولویت بخشی بر دید عقلانی و منطقی و اقعایی به‌ویژه برای نسل سوم انقلاب و سوباسفادنکردن از اعتقادات دینی در امر سیاست، تکیه بر شکل گیری یک الگوی حکومتی کارآمد برای تبلیغ اندیشه دینی نزد دیگران، بر مقله رایش و امنیت و نقش آن در رشد و توسعه کشور و بی‌توجهی به تر انقلاب در مقابل، برخی مدعیان انقلابی‌گری و همچنین تکیه بر نگاه به آینده تا‌نگاه، به گذشته، ندارد و همان می‌پروزران غ غیر آن حرکت کنند. به‌عکس، اتفاقاً فشارها می‌شود این نیروها به‌طور جدی‌تر، «پرچم» خود را بی